

بیانیه چهل تن از فعالین سیاسی، مدنی داخل کشور پیرامون حمله به مهاجران افغانستانی
سرزمین ما «انسانی» است نه «خاکی»!

آه بگذارید سرزمین من سرزمینی شود که در آن، آزادی را

با تاج گل ساخته گی وطن پرستی نمی آریند.*

سیاست‌های غیر انسانی دولت ایران مقابل مهاجران افغانستانی که از آغاز سال جاری با ممنوعیت ورود این مهاجران به اماکن تفریحی شدت گرفته بود، اکنون شکل بسیار خطرناکی یافته است. در تازه‌ترین مورد که در هفته نخست تیرماه رخ داد، با انتشار خیر دست داشتن مهاجری از افغانستان در قتل یک زن در یزد، منازل مهاجران در این شهر مورد هجوم قرار گرفت و افراد و خانواده‌های بسیاری مورد تهدید و آزار واقع شدند. در نتیجه‌ی سیاست‌های مذکور عده‌ای راه را بر خود هموار دیده‌اند تا بدون هرگونه واخمه و به بهانه دفاع از «وطن» و «ناموس» دست به چنین اعمال غیر انسانی و نژاد پرستانه‌ای بزنند. اعمالی که انجام آن جز با همراهی ضمنی حاکمیت دشوار می نماید.

بی‌قانونی و رفتار غیر انسانی علیه مهاجران در سایر نقاط ایران هم ابعاد گسترده‌ای یافته است. در استان فارس یک مقام وزارت کشور گفته است که همه شهروندان می‌توانند و باید جلوی اتباع خارجی را بگیرند و از آن‌ها کارت اقامت بخواهند.

اقدامات سال‌های اخیر در محروم کردن مهاجران از تحصیل؛ در احضارهای مکرر و بی‌قاعده‌ی آن‌ها برای تعویض کارت اقامت در قبال مبالغ کلان؛ در فرستادن‌شان به اردوگاه‌هایی با شرایطی به شدت غیر انسانی و متهم کردن‌شان به این که عامل بیکاری هستند، همگی اعمالی به شدت غیر انسانی و محکوم‌اند. حمله به خانه‌های مهاجران به بهانه این که فردی از آن‌ها متهم به جرمی شده است اقدامی جنایتکارانه است که در یک نظام قضایی سالم باید به سرعت و شدت مورد پیگرد قرار گیرد. علاوه بر این در چنین مواردی نمایندگان سازمان‌های مستقل و نیز مقامات دولتی افغانستان باید امکان دست‌رسی به مهاجران و واریسی حقایق و اعلام آن را بیابند.

دولت ایران، که اکنون بنا بر وضعیت نامناسب و ویژه اقتصادی، به شدت تحت فشار نارضایتی‌های گسترده از سوی کلیه اقشار به ویژه کارگران و مزدبگیران است و همین‌طور نرخ بالای جرایم و آسیب‌های اجتماعی گوناگون که بدون شک معلول شرایط فعلی است، سعی می‌کند با مجرم و تبهکار جلوه دادن مهاجران، بار مسئولیت خود را در قبال این نابسامانی‌ها کاهش دهد. همچنین با دامن زدن به احساسات، سیاست حامی پروری خودش را در عرصه‌ی تقویت تعصبات ناسیونالیستی نیز به آزمون بگذارد. از سوی دیگر با سوء استفاده از مسئله‌ی مهاجران، به نوعی با دولت افغانستان بر سر اختلاف‌های دیپلماتیک تسویه حساب نماید. در حالی که این مهاجران خود بزرگترین قربانی حکومت افغانستان و نظامی‌گری غرب در منطقه هستند.

ما امضا کنندگان این بیانیه خواستار برجیده شدن هرگونه تبعیض و رفتار غیر انسانی از سوی حاکمیت و یا پاره‌ای از مردم با مهاجران هستیم. بی‌شک در این بین برخی از مردم نیز با اتکا به باورهای نادرست خود، سیاست‌های غیرانسانی حاکمیت را بازتولید می‌کنند.

خواستار آنیم به هر کودک زاده شده از پدر و مادر افغانستانی به محض تولد در خاک ایران تابعیت ایرانی داده شود و نیز تابعیت علاوه بر پدر بی هیچ قیدی از مادر نیز به کودک منتقل شود (فارغ از محل تولد). خواهانیم تا تمام پرونده‌های پناهجویان افغان در کمیسیون‌های دمکراتیک که از خود افغانها هم اعضائی خواهد داشت و با حضور فرد پناهجو، مورد بررسی قرار گرفته و بسته به نظر کمیسیون، پناهندگی اعطا شود و یا اقامت‌های موقت و دائم به ایشان تعلق گیرد. هیچ پناهجویی را نمی‌توان مشمول اخراج از کشور و یا محدودیت سفر در داخل کشور دانست.

ما می‌خواهیم ایشان از تمام تسهیلات شهروندان ایرانی اعم از بیمه و آموزش و بهداشت و مراجعه به محاکم قضائی و... برخوردار باشند. همچنین حکومت طرح‌هایی را برای جذب هر چه بیشتر افغانستانی‌های مقیم ایران در جامعه تدارک دیده و در گام اول با تخصیص بودجه، عقب افتادگی‌های آموزشی آنان را جبران کند. فی الحال و در اقدامی فوری عاملان و آمران حمله به خانه‌های مهاجران در یزد باید تحت پیگرد قرار گیرند و دولت ایران باید رسماً به خاطر وارد آمدن این آزارها به مهاجران از آنها و از شهروندان خود عذرخواهی کند.

ما نمی‌خواهیم سرزمینی که در آن زندگی می‌کنیم آلوده به ننگ آزار مهاجران و حملات وحشیانه به آنها باشد و باور داریم حقوق همه جانیهی انسانی امری است که به هیچ بهانه‌ای چون ناسیونالیسم و نژاد و مذهب، قابل معامله نیست. ما به عنوان افرادی که به این مساله می‌اندیشند حاضر نیستیم هویت خود به جای انسان بودن و حقوق برابر برای همه‌ی انسان‌ها را به گونه‌ای تعریف کنیم که خود را بنا بر نژاد، رنگ پوست، مذهب، طبقه، جنسیت، قوم، زبان، پوشش و امثالهم بالاتر از انسان‌های دیگر بدانیم، و بنابر آن تعریف، حق تعرض به حقوق ایشان را برای خود قائل شویم. ما بنابر هویت مشترک همه این‌ها بشر، معتقدیم، ذات انسانی ما هویت مشترک همه ماست و از این رو، حق تحصیل، زندگی یا عدم زندگی در یک مکان، اشتغال، برخورداری از امکانات بهداشتی، رفاهی، آموزش، تغذیه‌ی مناسب و مانند آن را برای همه انسان‌ها به یک میزان و به طور برابر قائل هستیم.

ما نمی‌خواهیم بی‌قانونی و حمله به خانه‌های مردم بی‌دفاع واکنشی طبیعی قلمداد شود. ما به همه اقدامات غیر انسانی و تبعیض آمیز علیه مهاجران اعتراض داریم و آن‌ها را محکوم می‌کنیم و خواستار پایان یافتن این نوع اقدامات و رسیدگی فوری و منصفانه به آن‌ها هستیم.

امضا کنندگان بیانیه:

یونس آبسالان/ سعید آقام علی/ پریسا ادیب زاده/ امیر امیرقلی/ مریم امیری/ سیامک امین/ مصطفی بذری/
نسیم بنی کمالی/ مهدی بیات/ محسن پریراد/ یاشار پورخامنه/ بهنام تهرانی/ حسام چوپانی/ سعید حسن
زاده/ فرزاد حسن زاده/ اختای حسینی/ محمد خانی/ مهسا خیراللهی/ بابک ذاکری/ حسام سلامت/ اشکان
شریعتی/ فواد شمس/ محبوبه شمس/ ارسلان صادقی/ خسرو صادقی بروجنی/ بیتا صمیمی زاد/ یاسر
عزیزی/ سورنا عمید/ محمد غزنویان/ مصطفی غلام نژاد/ امیر فیروزی راد/ مهدی محمدی/ علی مظفری/ علی
معظمی/ حسام مناهجی/ مریم موسوی/ حسین نادری/ الناز ناطقی/ علی رضا نجمی.

* لنگستون هیوز، ترجمه‌ی احمد شاملو